

# غلبه فرهنگی و برتری ملل با نگاهی به اندیشه ابن خلدون

دکتر عباس مقتدایی<sup>(۱)</sup>

## چکیده

انقلاب اسلامی ایران با پیروزی خود سبب شد تا موجی از خیزش اسلامی در کشورهای مسلمان ایجاد شود، و شرایط خاص بین‌المللی ناشی از فروپاشی شوروی سبب شد تا هجمه جهان غرب بر ملل مسلمان و غیر مسلمان در این سوی عالم افزایش یابد، و مفهوم تهاجم فرهنگی غرب، ابعاد گسترده‌تری یابد. در این مقال، موضوع تهاجم فرهنگی و تفوق و غلبه یک فرهنگ بر فرهنگ‌های دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. دیدگاه ابن خلدون به عنوان نخستین جامعه‌شناسی که موضوع تهاجم فرهنگی را با طرح «قوم غالب و مغلوب» بیان کرده، مطرح شده است. ویژگی‌ها و مختصات تهاجم فرهنگی در شانزده سرفصل عمده مورد توجه و ارزیابی قرار گرفته است. در نتیجه‌گیری، پیش‌بینی شده است که در دهه‌های آینده، روند خیزش اسلامی و استقرار حکومت بر مبنای اسلام در عرصه بین‌المللی، افزایش می‌یابد، و با شکل‌گیری هویت جدید در جوامع اسلامی، و دستیابی به خودباوری، زمینه معکوس شدن هجوم فرهنگی و این بار از جهان اسلام به غرب فراهم می‌شود، و اندیشه‌های قدرتمند اسلامی که مبتنی بر مبنای اخلاقی اسلام است به سرعت دنیای غرب را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

## کلیدواژه‌ها

فرهنگ، تهاجم فرهنگی، غلبه فرهنگی، سیطره فرهنگ، مهندسی فرهنگی، ابن خلدون.

خود و دیگران را به وجود آورد، و برقرار کند، و در این روند، انتزاع و رشد و پیشرفت، از خصوصیت‌های فرهنگ محسوب می‌شود. ج. ویژگی خلاقیت و پویایی فرهنگ: به این معنا که فرهنگ‌های مختلف، پدیده‌های اجتماعی دارای عمق و ریشه هستند، و به همین دلیل، متناسب با شرایط و مقتضیات و یا بسترهای متفاوت زمان و مکان، قابلیت تطبیق خود با شرایط و اوضاع و احوال را دارند، و هرچه این عمق و ریشه، جدی‌تر و قوی‌تر باشد، از بین بردن و برکندن آن نیز، دشوارتر است. فرهنگ‌هایی که از ریشه و عمق برخوردار باشند، اگرچه ممکن است در مقاطعی دچار آفت شوند؛ اما همانند گیاهان دارای ریشه قوی، دیرتر آسیب کلی و جدی می‌بینند.

البته فرهنگ‌ها با توجه به آب‌سخور و نیازمندی‌ها و تغذیه‌ای که از آن بهره می‌گیرند، قابلیت‌های مختلف نیز پیدا می‌کنند. هرچه ریشه‌های فرهنگی از عمق و منابع تغذیه‌ای مناسب‌تری برخوردار

## ویژگی‌های فرهنگ

جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف علوم مرتبط با مقوله فرهنگ، صدها تعریف از فرهنگ ارائه کرده‌اند! با توجه به حدود سی صد تعریف که از فرهنگ ارائه شده است می‌توان به چند ویژگی آن پی برد:

الف. ویژگی هویت‌بخشی فرهنگ: در این بخش از تعریف فرهنگ به این نکته توجه می‌شود که حب ذات و صیانت نفس، نه تنها حائز جنبه فردی است، و هر شخص تمایل به این دارد که خود را در برابر خطرات و تهدیدها و هجوم‌ها حفظ کند؛ بلکه از منظر اجتماعی نیز، گروهی که در یک زمره و مجموعه قرار می‌گیرند، (مشروط بر این که ویژگی‌های یک قوم و ملت را داشته باشند) همواره تلاش می‌کنند تا، روح جمعی خود را حفظ، و آن را به نسل‌های بعدی منتقل کنند.

ب. ویژگی توسعه‌طلبی فرهنگ: به این معنا که فرهنگ در وجود و ذات خود علاقه‌مند است که تبادل، ارتباط و انتقال میان

۱- دکترای روابط بین‌الملل و عضو هیات علمی دانشگاه.



باشد، می‌تواند سیطره و گستره بیشتری نیز پیدا کند. در چنین حالتی از بین بردن و برکنیدن آن نیز به راحتی صورت نمی‌گیرد، و حتی اگر در مواردی، بخشی از مظاهر فرهنگی، مورد هجوم و دست‌خوش نابودی شود، باز هم جوانه‌های بعدی فرهنگ رشد می‌کنند، و دقیقاً مانند گیاهی که جوانه‌های آن می‌توانند تنومند شوند، فرهنگ نیز می‌تواند پس از هجوم، مجدداً رشد و نمو کند.

نگرش گیاهواره‌ای به فرهنگ، گویای واقعیت دیگری نیز هست که تشابه فرهنگ و رشد گیاه را یادآوری می‌کند. نگرش بر مبنای این دیدگاه، بر این باور است که همه فرهنگ‌ها به کندی و به صورت تدریجی (و با قدری مسامحه شاید بتوان گفت، آرام و به صورت نامحسوس) تغییر و یا رشد می‌کنند.

روان‌شناسی اجتماعی، تغییراتی که در یک فرهنگ به وجود می‌آید را ناشی از عوامل خاصی می‌داند که این عوامل از رفتارهای جمعی و ویژگی‌های شخصیتی افراد و اجتماع نشأت می‌گیرد. همین انگیزه‌ها و زیرساخت‌های موجود است که می‌تواند شیوه و یا نحوه برخورد و تقابل، تعامل و یا تهاجم فرهنگی را شکل دهد.

### فرهنگ و تقسیم‌بندی‌های آن

در بسیاری از تحقیقات و پژوهش‌های ارائه شده که به گونه‌ای با مقوله فرهنگ مرتبط هستند در ابتدا فرهنگ را تعریف، و تقسیم‌بندی‌های مختلف آن را ارائه می‌کنند. در این تحقیقات، مرسوم است که هرگاه از موضوع فرهنگ، سخن به میان می‌آید، موضوع تمدن را نیز بررسی می‌کنند. شاید بتوان این‌گونه نتیجه گرفت که در برخی از تحقیقات این حوزه، با تفکیک قائل شدن میان تمدن و فرهنگ، فرهنگ مادی و فرهنگ غیر مادی را از یکدیگر جدا می‌کنند، و آنچه در قالب فرهنگ مادی است، به آن نام «تمدن» می‌نهند، و مطالعه آن را در زمره کار علم مردم‌شناسی قلمداد می‌کنند<sup>(۱)</sup>؛ اما با بررسی مطالعات صورت گرفته در حوزه فرهنگ می‌توان این‌گونه استنباط کرد که محققان و پژوهشگران، علاقه‌مند هستند که میان آن بخش از فرهنگ که جنبه مادی پیدا می‌کند، و محسوس، ملموس و قابل اندازه‌گیری با موازین کمی و علمی است، و آن بخش از فرهنگ که غیر مادی است، و قابل اندازه گرفتن با معیارهای کمی نیست، و نمی‌توان آن‌ها را به راحتی مقایسه و ارزیابی کرد، تفکیک قائل شوند.<sup>(۲)</sup>

نمونه‌هایی از نوع اول که فرهنگ مادی بر آن اطلاق می‌شود عبارتند از: فنون، ابزارهای کاربردی و تولیدی، صنعتی و... و آن بخش که در زمره فرهنگ غیر مادی برشمرده می‌شود، مصادیقی دارد نظیر: معتقدات، زبان، هنر، ادبیات، رسوم و... .

البته همان‌گونه که در بسیاری از رشته‌های دیگر علوم مشاهده می‌شود، در حوزه مطالعات فرهنگ و مطالعات تمدن نیز، یک‌دستی و هم‌نوایی میان محققان و پژوهشگران وجود ندارد؛ اما حاصل این مطالعات و جمع‌بندی نکات مطرح شده در پژوهش‌های موجود، بیانگر این واقعیت است که فرهنگ مادی و غیر مادی، اگرچه ممکن است ظواهر متفاوتی داشته باشند؛ اما فی‌الواقع، پیوند و

تأثیر و تأثر متقابلی نیز بر یکدیگر دارند. به همین دلیل است که امروزه طراحان امور اجتماعی به این نکته، اهمیت ویژه می‌دهند که اگر قرار است در بخش‌های مادی، تغییرات و تحولاتی صورت گیرد که در نهایت بر اجتماع، تأثیرگذاری لازم را داشته باشد، باید هم‌زمان با آن، به مقوله فرهنگ، یعنی آن بخش غیر مادی نیز، توجه ویژه نشان داده شود.

در موضوعی که این متن به مطالعه آن می‌پردازد، همین بحث، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در مقوله مهندسی فرهنگی یا مهندسی اجتماع، اگر پی‌گیری کنندگان آن موفق شوند اعتقادات، زبان، هنر، ادبیات، رسوم، و مسائلی از این دست را تغییر دهند، و یا به عبارت دیگر آن‌ها را به نحوه دلخواه بسازند، بسیار سریع و راحت می‌توانند ذائقه، سلیقه و نوع نگرش مردم به مقوله امور مادی مربوط به آن‌ها را نیز تغییر دهند. این نوع از تفکر و این اندیشه در جامعه‌شناسان و عالمان سیاسی و حکمای دوره‌های پیشین نیز مطرح شده است، و نمونه بسیار واضح آن این خلدون است که در متن همین مقاله به طرح دیدگاه‌های وی خواهیم پرداخت.

یکی دیگر از کسانی که در همین زمینه، سخن و دیدگاه دارد، افلاطون است. به عنوان مثال وی در زمینه تأثیرگذاری هنر، معتقد است اگر می‌خواهید جامعه‌ای را تغییر دهید، می‌توانید این تغییر را از راه موسیقی پی‌گیری کنید. او معتقد است که اگر موسیقی یک جامعه عوض شود، می‌توانید به واسطه آن، نوع نگرش جامعه را متناسب با دیدگاه خود تغییر دهید.

آن‌چه امروزه به عنوان بخش «مهندسی فرهنگی» مورد توجه کشورها و تصمیم‌گیرندگان و رهبران آن‌ها است این است که باید از طریق عناصر فرهنگی و به عبارتی، حرکات‌های «نرم» و ملایم،

## بزرگ‌ترین عنصر فرهنگی و کانال عمده انتقال فرهنگ یک ملت، زبان او است، و امروز کشورهای مقتدر دنیا تلاش می‌کنند تا با رایج کردن زبان خود در دنیا، لباس، آداب، سنن، عقاید، فرهنگ و باورهای اجتماعی‌ای که خود قبول دارند را بر ملت‌ها تحمیل کنند

مسیر و جهت اجتماعات رقیب را نیز به نفع اجتماع خودی تغییر داد. آن‌گونه که برخی از کشورها با تولید فیلم‌ها، سریال‌ها و یا کتاب‌های مختلف ادبی، رمان و هنر تلاش می‌کنند به این هدف اساسی دست یابند.<sup>(۲)</sup>

انقلاب اسلامی ایران نیز از بدو تأسیس به ویژه در اندیشه رهبری آن به همین نکته توجه داشته است، و تلاش کرده است تا مقهور تهاجم فرهنگی دشمن نشود، و بسیاری از برنامه‌ریزی‌های کشور (اگرچه در برخی موارد، عملیاتی نشد، و به نتیجه مطلوب نرسید) در جهت دستیابی به همین هدف بوده است؛ زیرا انقلاب اسلامی، همواره تلاش کرده است تا غلبه سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی ایجاد شده در طی سالیان گذشته و قبل از انقلاب، توسط قدرت‌های سلطه‌جو را به حاشیه براند، و کم‌رنگ‌تر کند، و در نهایت، از آن خلاصی یابد، و این موضوع امکان‌پذیر نخواهد بود؛ مگر در سایه توجه به مقوله فرهنگ. کاملاً واضح است که در موارد متعددی، رهبری نظام جمهوری اسلامی به این نکته اشاره کرده، و دست اندرکاران را توجه داده است، به عنوان مثال، جملات زیر مطالبی است که در جمع مسؤولان نظام، رییس جمهور و سفرای کشورهای خارجی بیان شده، و بر همین مسأله تأکید رفته است که غلبه سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی یک ملت بر ملتی دیگر، در سایه غلبه فرهنگی امکان‌پذیر است:

«بزرگ‌ترین عنصر فرهنگی و کانال عمده انتقال فرهنگ یک ملت، زبان او است، و امروز کشورهای مقتدر دنیا تلاش می‌کنند تا با رایج کردن زبان خود در دنیا، لباس، آداب، سنن، عقاید، فرهنگ و باورهای اجتماعی‌ای که خود قبول دارند را بر ملت‌ها تحمیل کنند»<sup>(۳)</sup>

البته تعابیر مختلفی از سوی مقام معظم رهبری در سال‌های گذشته بیان شده است که هریک به نوعی همین مبحث و موضوع «غلبه فرهنگی بیگانه» را مورد توجه قرار می‌دهد؛ تعابیری همچون «تهاجم فرهنگی»، «شبیخون فرهنگی»، «غارث فرهنگی» و حتی «قتل عام فرهنگی» نیز به کار برده شده است:

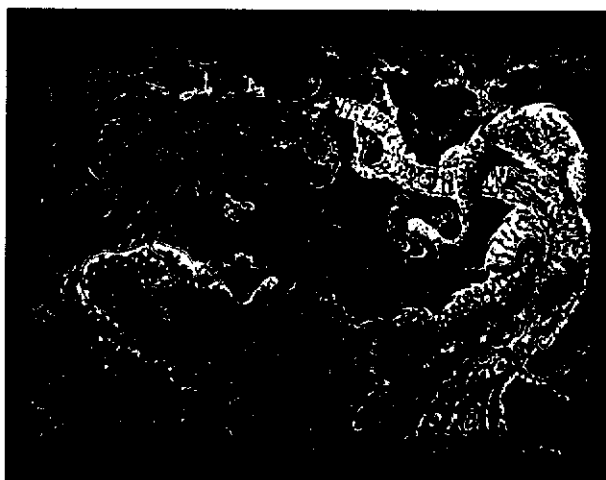
(۲) از جمله نگاه کنید به: آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ.

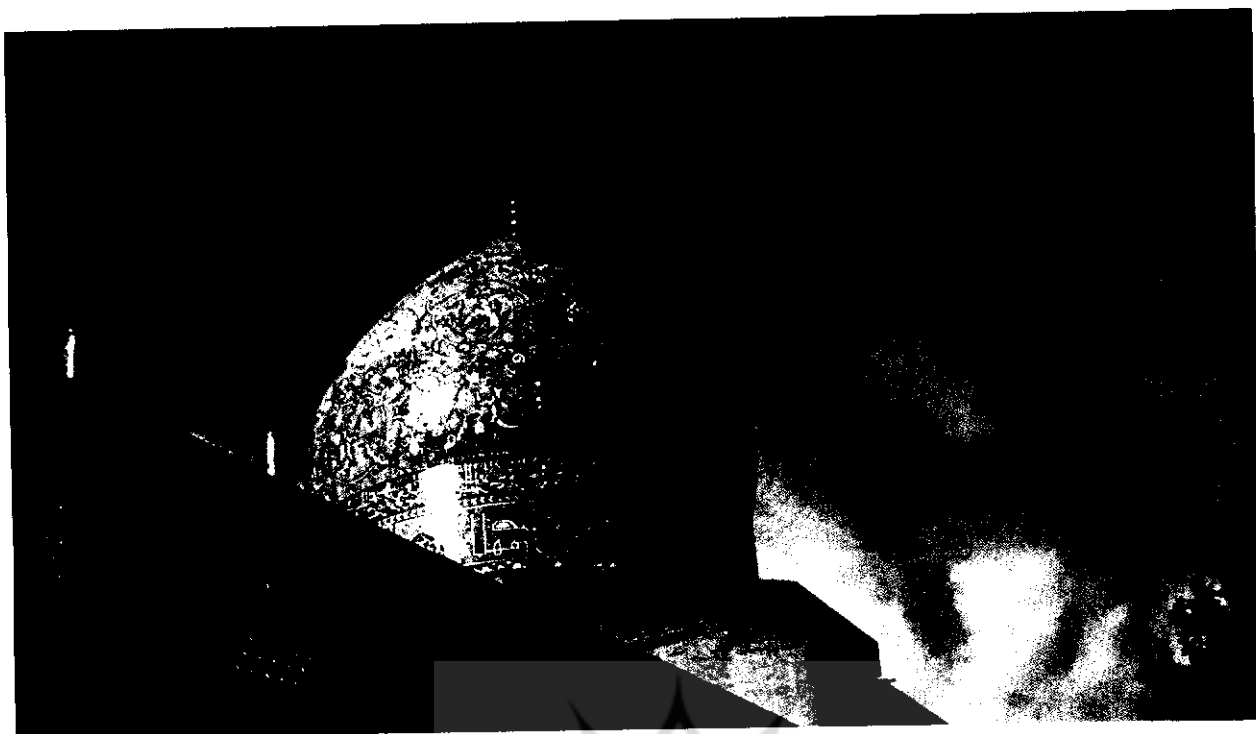
(۳) از جمله مطالعه کنید: اسلامی ندوشن، محمدعلی، فرهنگ و شبه فرهنگ.

(۴) فرانسیس ساندرز (نویسنده کتاب جنگ سرد فرهنگی سیا و جهان هنر و ادب) در فصل بیستم همین کتاب با اشاره به ناتوی فرهنگی، مصادیقی از این نوع رفتار را در خصوص مقاله غرب و به ویژه آمریکا با اتحاد جماهیر شوروی مطرح کرده است.

(۵) مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی ۱۳۷۲/۵/۱۲، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری جمهوری اسلامی ایران، آرشیو تاریخی

متن بیانات





«دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط (فرهنگ فساد و فحشا) سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد، کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند یک "تهاجم فرهنگی" بلکه باید گفت یک "شیخون فرهنگی"، یک "غارت فرهنگی" و یک "قتل عام فرهنگی" است. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند، چه کسی می‌تواند از این فضیلت‌ها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته، و می‌تواند بایستد، و از فضیلت‌ها دفاع کند، کسی که خودش آلوده و گرفتار شده است که نمی‌تواند از فضیلت‌ها دفاع کند. این جوان با اخلاص می‌تواند دفاع کند.

این جوان از انقلاب، از اسلام و از فضائل و ارزش‌های اسلامی می‌تواند دفاع کند...»<sup>(۴)</sup>

**آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته، و می‌تواند بایستد،**

**و از فضیلت‌ها دفاع کند، کسی که خودش آلوده و گرفتار شده است که نمی‌تواند از فضیلت‌ها دفاع کند. این جوان با اخلاص می‌تواند دفاع کند. این جوان از انقلاب، از اسلام و از فضائل و ارزش‌های اسلامی می‌تواند دفاع کند...»**

صاحب‌نظران مطرح شده است که فرهنگ‌های مختلف، در اثر ارتباطات در صحنه بین‌المللی با یکدیگر تفاهم و تعامل دارند؛ مفاهیمی نظیر گفت‌وگوی تمدن‌ها که سازمان ملل متحد و به ویژه یونسکو در سال ۱۰۰۲م مطرح کرد، نمونه‌ای از این دست مطالب و موضوعات است به این معنا که سازمان ملل متحد در قالب سازمان فرهنگی، علمی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) تلاش می‌کند تا مبادلات فرهنگی میان ملت‌ها از یک سو افزایش یابد، و از سوی دیگر در نتیجه مفاهیم و فهم مشترک فرهنگ‌ها از یکدیگر، هر روز زمینه بروز و ظهور خشونت و یا اختلاف، کم و کم‌تر شود.<sup>(۳)</sup>

اندیشمندان و صاحب‌نظران از منظرهای مختلفی به موضوع نحوه تعامل فرهنگ‌ها با یکدیگر و یا تعامل و برخورد تمدن‌ها با یکدیگر پرداخته‌اند. مثلاً هانتینگتن با طرح موضوع برخورد تمدن‌ها این موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد که تمدن‌های مختلف در دنیای کنونی با یکدیگر تضاد و تعارض دارند، و این تعارضات در حوزه‌های مختلف بروز و ظهور می‌یابد.<sup>(۵)</sup> در حالی که برخی از صاحب‌نظران و یا مسؤولان دولتی و حکومتی، بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها را مطرح کردند؛ از جمله رییس جمهوری ایران که این مبحث را مطرح کرد، و متعاقب آن، سازمان یونسکو، سال ۲۰۰۱ میلادی را به عنوان «سال گفت‌وگوی

مفاهیم و تعامل یا مقابله و تهاجم؟

یکی از مباحث جامعه‌شناسی و نیز روابط بین‌الملل که ذهن اندیشمندان و محققان این حوزه و سایر حوزه‌های مرتبط را به خود معطوف کرده است، مقوله مفاهیم و تعامل فرهنگی است. این موضوع، از سوی بسیاری



تمدن‌ها» تعیین کرد.

این که بررسی نقش و جایگاه جامعه‌شناسانهٔ تهاجم فرهنگی به عنوان مانعی که می‌تواند در مسیر تحقق گفت‌وگو و مفاهمه میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها مانعی جدی ایجاد کند، در برخی محافل

علمی، سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است، و اگرچه در دوره‌های پیشین، مقولهٔ تهاجم فرهنگی در پاره‌ای موارد به عنوان یک «توهم» مطرح می‌شد، اما امروز بحث تهاجم فرهنگی به عنوان یک واقعیت انکار ناپذیر، هم در عرصهٔ روابط بین‌الملل و هم در عرصهٔ روابط فرهنگی در داخل و خارج دولت‌ها و کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد.

## در اثر اعتقادات ذهنی، قوم مغلوب تلاش

ابن خلدون در این بخش به این نکته اشاره می‌کند که چون انسان‌ها همواره به دنبال کمال و برتری هستند، هنگامی که از قومی دیگر دچار شکست می‌شوند، برتری قوم پیروز را امری مهم قلمداد می‌کنند، و

این اهمیت ذهنی سبب می‌شود که قوم غالب، در نهاد ملت مغلوب، مورد بزرگداشت قرار گیرد. وی بر این اعتقاد است که به مرور زمان، «ملت مغلوب» در فرمانبری خود از قوم پیروز، دچار اشتباه می‌شود، و به جای این که این اطاعت را معلول غلبهٔ طبیعی آن قوم بداند، آن را به کمال و برتری آنان نسبت می‌دهد. این خلدون معتقد است که اگر ملتی دچار چنین پنداری

دهد.

## تهاجم فرهنگی و دیدگاه ابن خلدون

ابن خلدون متولد سال ۲۳۷ق برابر با ۱۳۳۲ میلادی است. کتاب مهمی که از ابن خلدون برای ما به یادگار مانده است عنوانی طولانی دارد: کتاب العبر و دیوان الصیدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و التبریر و من عناصرهم من ذوالسلطان الاکبر. این کتاب بر اساس آنچه خود ابن خلدون بیان کرده است، مشتمل بر یک مقدمه و سه کتاب است. کتابی که امروزه ما به عنوان مقدمهٔ ابن خلدون می‌شناسیم، در واقع، مقدمه و کتاب اول از کتاب العبر است.

در این کتاب، موضوعات متفاوت و متعددی، بیان شده است؛ تاریخ عرب، تاریخ اسلامی، تاریخ مشرق، تاریخ بربر و تاریخ مغرب زمین. شرح حال‌های مختلفی نیز در این کتاب وجود دارد. مقدمه مورد استفادهٔ بسیاری از نویسندگان و جامعه‌شناسان غربی قرار گرفته است. هم‌چنین خاورشناسان مختلفی از این کتاب و موضوعات آن استفاده کرده‌اند. «اشمیت»، «روزنتال»، «ونکرمن»، «لووی»، «گابریلی» و کسانی مانند «نمونیه» از جمله این افراد هستند. هم‌چنین «توین بی» در مجلدات متعدد آثار خود از ابن خلدون نام برده است. «توین بی» در مورد ابن خلدون دیدگاه جالب توجهی دارد. وی معتقد است:

«ابن خلدون در مقدمه‌ای که برای تاریخ عمومی خود نوشته، به درک و تصور و ابداع فلسفه‌ای برای تاریخ نائل آمده است که بی‌شک در نوع خود، از بزرگ‌ترین اعمال به شمار می‌رود. فلسفه‌ای که با هر عقلی در هر زمان و مکان تطبیق می‌کند»<sup>(۶)</sup>

ابن خلدون در بخشی از کتاب خود، مباحثی را مطرح کرده است که می‌توان آن را به عنوان تصور ابن خلدون از هجیمهٔ فرهنگی و به تبع آن، غلبهٔ یک قوم بر قوم دیگر، قلمداد کرد. به طور مشخص، ابن خلدون در فصل بیست و سوم مقدمه، بابی باز کرده است با عنوان «در این که قوم مغلوب، همواره شیفتهٔ تقلید از شاعران و آداب و طرز لباس و مذهب و دیگر عادات و رسوم ملت غالب است»<sup>(۷)</sup>



شود، و مدت زمانی، این پندار تداوم پیدا کند، به آرامی این پندار، به اعتقاد درونی بدل شود، و بر همین اساس، قوم مغلوب برای کسب همهٔ آداب و شؤون قوم غالب، تلاش می‌کند، و به این نتیجه خواهد رسید که هرچه بیشتر به قوم غالب، تشبه پیدا کند. ابن خلدون بر آن است که اگر چنین اتفاقی بیفتد، قوم غالب به راحتی می‌تواند شاهد اقتدار و پیروزی همه جانبه و بدون دردسر بر قوم مغلوب باشد.

بنابراین از نظر ابن خلدون، قوم غالب و کشور پیروز که در زمینهٔ نظامی به پیروزی دست یافته است، همواره تلاش خواهد کرد تا چنین ویژگی ذهنی و جایگاهی را در قوم مغلوب ایجاد کند؛ چراکه در این حالت می‌تواند به آسانی و بدون دردسر به

(۶) متن بیانات رهبری جمهوری اسلامی ایران در دیدار با فرماندهان و دسته‌های عاشورای نیروی مقاومت بسیج، سالروز شهادت امام سجاد (ع)، ۲۲/۴/۱۳۷۱، به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر جمهوری اسلامی ایران - آرشیو تاریخی متن بیانات [www.khamenei.ir/fa/views](http://www.khamenei.ir/fa/views)

(۷) نگاه کنید به: آقایف سید داوود، سازمان‌های بین‌المللی.

(۸) نگاه کنید به: هانتینگتن، سامرئیل، برخورد تمدن‌ها و نظم نوین جهانی.

(۹) ابن خلدون، عبدالرحمان، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۷.

(۱۰) همان، ص ۲۸۱.

تفوق و برتری خود ادامه دهد. ابن خلدون معتقد است:  
«ملت شکست خورده، پیروزی غلبه‌جویان را از  
عصبیت یا قدرت و دلاوری آنان نمی‌داند؛ بلکه  
گمان می‌کند این غلبه، در پرتو عادات و رسوم و  
شیوه زندگی آن قوم حاصل آمده است.»<sup>(۱۱)</sup>

ملاحظه می‌شود که تحلیل ابن خلدون از رفتار قوم غالب و  
مغلوب این است که قوم مغلوب به مرور فراموش می‌کند که غلبه  
و برتری قوم غالب، در نتیجه توانمندی مادی آن‌ها بوده است، و  
به مرور، به این ذهنیت‌ها می‌رسد که چون آن‌ها چنین رسم و  
شیوه‌هایی از زندگی دارند، و یا به دلیل این‌که این‌گونه عادات را در  
خود متوفر کرده‌اند، توانسته‌اند بر دیگران پیروز شوند و برتری یابند.  
او می‌گوید: «به علت همین‌گونه اشتباهات می‌بینیم که قوم مغلوب،  
خواه در نوع لباس و مرکوب و سلاح، و خواه در چگونگی پوشیدن  
و به کار بردن و حتی شکل و رنگ آن‌ها، همواره از قوم پیروز تقلید  
می‌کند، و بلکه در همه عادات و شؤون زندگی به آن قوم، تشبیه  
جوید.»<sup>(۱۲)</sup>

## فرهنگ مورد هجمه در موقعیتی که ضعف درونی داشته باشد، و یا از تهاجم رقیب، نگرانی و هراس و واهمه داشته باشد، ضربه‌پذیرتر خواهد شد.

ابن خلدون در ادامه این  
بحث با مثالی عینی از رفتاری  
که پسران در مقایسه با پدران  
خود دارند، و در بسیاری موارد  
تلاش می‌کنند خود را شبیه  
پدران خود جلوه دهند، چنین  
نتیجه می‌گیرد که در اثر  
اعتقادات ذهنی، قوم مغلوب  
تلاش می‌کند تا در آداب و  
رسوم و شیوه زندگی و رفتارها،

خود را متناسب با قوم غالب تغییر دهد. وی معتقد است اگر این  
موضوع، تداوم پیدا کند، نسل‌های بعدی قوم مغلوب، به سرعت  
در قوم غالب مضمحل می‌شوند، و به عبارت دیگر، در قوم غالب،  
هضم خواهند شد.

از منظر ابن خلدون، هنگامی استیلا و غلبه واقعی حاصل  
می‌شود که چنین رفتاری توسط قوم مغلوب در عمل مشاهده  
شود.

### تهاجم فرهنگی و ویژگی‌های آن

هرگاه فرهنگی در برابر فرهنگ جامعه‌ای دیگر قرار گیرد،  
و یک اجتماع یا کارکردهای مختلف درصد تحمیل ارزش‌ها و  
دیدگاه‌های خود بر اجتماعی دیگر باشد، و در این مسیر، از قدرت و  
غلبه خود در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و نظایر آن استفاده کند  
تا به مقصد خود یعنی تفوق و غلبه تمام عیار، و یا در غلبه در پاره‌ای  
بخش‌های مورد نظر خویش دست یابد، چنین تهاجمی را «تهاجم  
فرهنگی» می‌نامند.

در پدیده تهاجم فرهنگی، یک اجتماع و یا دیدگاه اجتماعی،  
خود را در موضعی بالاتر قرار می‌دهد، و با استفاده از ابزارهای

مختلف به تحمیل و تفوق روزافزون ارزش‌های خود می‌پردازد.  
در این زمینه چند موضوع، قابل توجه است که به اختصار به آن‌ها  
می‌پردازیم:

۱. هنگامی تفوق و غلبه فرهنگی صورت می‌گیرد که فرهنگ رقیب  
(یا فرهنگ درصد غلبه)، در شرایط قدرت، قرار داشته باشد، و  
رقیب آن، در شرایط ضعف باشد؛ زیرا اگر دو فرهنگ در موقعیتی  
برابر قرار داشته باشند، قاعدتاً غلبه فرهنگی صورت می‌گیرد؛ ولی  
ممکن است در چنین حالتی، به دلیل تساوی دو فرهنگ، تبادل  
فرهنگی و یا هجمه دو سویه فرهنگی صورت پذیرد.
۲. فرهنگ مهاجم، هنگامی می‌تواند موقعیت برتر به دست آورد، و  
تهاجم مؤثر انجام دهد که خود، انگیزه لازم برای انجام این تهاجم  
را در درون خود پرورده و مهیا کرده باشد.
۳. فرهنگ مورد هجمه در موقعیتی که ضعف درونی داشته باشد، و  
یا از تهاجم رقیب، نگرانی و هراس و واهمه داشته باشد، ضربه‌پذیرتر

خواهد شد.

۴. نگرش و ذهنیت افراد جامعه و کل اجتماع در خصوص قوت و یا استحکام فرهنگ خودی در پذیرش تهاجم و مؤثر واقع شدن آن، و یا طرد تهاجم و مؤثر نشدن آن، نقشی اساسی ایفا می‌کند؛ به این معنا که اگر فرهنگی خود را آسیب‌ناپذیر بداند، و یا خود را دارای موقعیتی قلمداد کند که

می‌تواند هجوم‌های مقطعی و یا مداوم فرهنگی را از سر بگذراند، و مقابله لازم در این خصوص را انجام دهد، در چنین حالتی، تهاجم فرهنگی، بسی دیرتر، کارا و مؤثر واقع خواهد شد.

۵. فرهنگ مهاجم به صورت گام به گام و یا دفعی عمل می‌کند؛ اما در این عملکرد گام به گام یا دفعی به حذف تدریجی ارزش‌های حاکم بر جامعه در ابعاد ملی، مذهبی و نظایر آن اقدام می‌کند، به گونه‌ای که اذهان عمومی، هر روز بیش از پیش نسبت به هویت و ارزش‌های پیشین، بیگانه می‌شود، و آمادگی لازم برای کسب ارزش‌ها و هویت جدید را می‌پذیرد، در صورتی که این اتفاق بیافتد، هر روز بر حیطة و حوزه عمل فرهنگ مهاجم افزوده می‌شود، و از قدرت عرض اندام فرهنگ مورد هجوم، کاسته می‌گردد.

۶. فرهنگ مهاجم تلاش می‌کند تا مراکز فرهنگی و آموزشی تولید کننده فرهنگ خودی، در جامعه مورد هجوم را آسیب‌پذیر، و حتی‌الامکان متوقف کند، و مراکز فرهنگی و آموزشی که پرورنده فرهنگ بیگانه (فرهنگ مهاجم) است را تأسیس و یا جای‌گزین کند.

۷. فرهنگ مهاجم تلاش می‌کند تا ارزش‌های فرهنگی، و به طور کلی، نگرش‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه مورد هجوم را در منظر افراد آن جامعه به عنوان ضد ارزش و یا ناهنجاری تلقی و منعکس کند، و یا این‌گونه جلوه دهد، و برعکس، آن‌چه در فرهنگ مهاجم به عنوان ارزش شناخته می‌شود را جای‌گزین آن کند، و ارزشمند جلوه دهد.

۸. فرهنگ مهاجم برای مسلط شدن از ابزارهای مختلف استفاده می‌کند، و در این مسیر، ابزارهای «نرم» و «سخت» هر دو به کار گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، هم حوزه‌های فرهنگی که از خشونت به دور هستند مورد استفاده قرار می‌گیرند (مانند فیلم، کتاب، مطبوعات، مُد و...) و هم از قدرت سخت بهره می‌گیرد (خشونت، قوه قهریه، نیروی نظامی و...).

۹. در مسیر رویارویی دو فرهنگ، ذهنیت‌های قبلی و پیشینه سوء و یا حسن پیشینه فرهنگ مهاجم، و یا فرهنگ مورد هجوم، در فرآیند پیروزی و یا عدم پیروزی تهاجم فرهنگی، مؤثر است.

۱۰. تقابل و تضاد دو فرهنگ، در بسیاری از موارد، شرایط را برای رویارویی تمدن‌هایی که وابسته به آن فرهنگ‌ها هستند، آماده می‌سازد.

## فرهنگ مهاجم تلاش می‌کند تا

ارزش‌های فرهنگی، و به طور کلی،

نگرش‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه

مورد هجوم را در منظر افراد آن جامعه

به عنوان ضد ارزش و یا ناهنجاری تلقی

و منعکس کند،

۱۱. در دنیای امروز، ابزارهای فرهنگی، نقش عمده‌ای در تقویت فرهنگی ایفا می‌کند؛ از جمله این ابزارهای فرهنگی می‌توان به رسانه‌ها، فرهنگ مکتوب و نیز روح حاکم بر تکنولوژی و تولید صنعتی اشاره کرد.

۱۲. عامل پیش‌گفته (ابزارهای صنعتی و به عبارت دقیق‌تر، برخورداران از علم روز بتوانند جایگاه فرهنگی خود را ارتقاء بخشند، و به سمت تهاجم‌گری در عرصه فرهنگ پیش روند.

۱۳. در دنیای امروز، بخش‌هایی که مصرف کننده تولیدات صنعتی و غیر صنعتی هستند، به میزان وابستگی‌ای که به فن‌آوری و علم کشور و یا ملت و دولت مهاجم دارند، تحت تأثیر فرهنگ مهاجم نیز قرار می‌گیرند، و هرچه هویت درونی کشور یا ملت مورد هجوم، در سطح پایین‌تری باشد، و احساس هویت کم ارزش‌تری داشته باشد، به همان میزان، آسیب‌پذیریشان افزایش می‌یابد.

۱۴. روند تبدیل شدن یک فرهنگ به فرهنگ تهاجم کننده و یا فرهنگ هجمله‌پذیر، می‌تواند در مقاطع زمانی مختلف تغییر کند، به گونه‌ای که ممکن است یک بخش جغرافیایی و یا اجتماع، در محدوده زمانی خاص به دلیل برخورداری از پاره‌ای توانمندی‌ها، تمایل زیادی به تهاجم داشته باشد، و یا برعکس، همین اجتماع یا محدوده جغرافیایی، ممکن است در مقطعی دیگر به دلیل عدم برخورداری از پاره‌ای امکانات و توانمندی‌ها به مجموعه‌ای هجوم‌پذیر و مورد هجمله تبدیل شود.

۱۵. فرهنگ‌های مهاجم به ویژه اگر تمایل به تفوق و برتری با هر پی‌آمد، و ابزاری داشته باشند، در مرحله اول، تلاش می‌کنند هویت اجتماع مورد تهاجم را متزلزل سازند، و با ویران کردن عناصر هویتی، زمینه را برای جای‌گزین کردن هویت جدید در مرحله بعد، مهیا کنند.

۱۶. فرهنگ‌های مهاجمی که حاضرند با استفاده از هر ابزار و هر وسیله‌ای تهاجم خود را محقق سازند، ممکن است در مسیر تهاجم خود، بسیاری از انواع عملکردها یا اقدامات منفی را در سطح یک جامعه انجام دهند. (بی‌بندوباری‌های جنسی، اشاعه انواع اعتیاد و امثال این‌ها، نمونه‌ای از اقداماتی است که برخی از فرهنگ‌های مهاجم به ویژه در دوران معاصر به آن دست زده‌اند).

### نمونه‌های تاریخی

روند تهاجم فرهنگی و متزلزل کردن بنیان‌های اعتقادی، ارزشی و به طور کلی فرهنگی جوامع، پدیده‌ای نیست که منحصر به دنیای

(۱) همان، ص ۲۸۱ به بعد.

(۲) همان، ص ۲۸۱.

کشورهای غربی نتوانستند در بخش‌های جغرافیایی و حکومتی تحت سیطره شوروی رسوخ پیدا کنند، با طزاحی پروژه‌های مختلف، تلاش کردند تا از نظر فرهنگی نفوذ و رسوخ یابند. پروژه «ریگا» از جمله این پروژه‌ها است. در این پروژه که در مرکز «ریگا» در «لیتوانی» به اجرا درآمد، ایالات متحده آمریکا (چون در آن زمان روابط دیپلماتیک و فراگیری با اتحاد جماهیر شوروی نداشت)، از این مرکز برای کسب اطلاعات رقیب خود استفاده می‌کرد.

**قوم غالب تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از منطقه «ریگا» عملاً پنجره ایالات متحده آمریکا برای نگاه و اشراف به اتحاد جماهیر شوروی بود. این نقطه، چون از نظر جغرافیایی، نزدیک شوروی بود، تلاش می‌شد تا تمام کسانی که از شوروی خارج می‌شوند، و به لیتوانی می‌آیند را رصد کنند، و اطلاعات آن‌ها مربوط به شوروی را گردآوری و سپس به ایالات متحده آمریکا منتقل کنند، و این اطلاعات، مبنای تصمیم‌گیری و نفوذ فرهنگی آمریکا و نیز مبنای برنامه‌ریزی آمریکا برای از پای درآوردن شوروی بود.**

می‌توان مقدار فراوانی از این نمونه‌ها را چه در تاریخ اسلام و چه در تاریخ سایر ملل ذکر کرد. به همین دلیل، آن‌گونه که پیش‌تر هم ذکر شد می‌توان مقولهٔ تهاجم فرهنگی، مقوله و مبحث تازه‌ای نیست؛ اگرچه با این نام و عنوان، در سال‌های اخیر، این پدیده مورد توجه قرار گرفته است؛ ولی فی‌الواقع، اقدام و نحوهٔ عملکردی است که مصادیق آن در گذشته هم وجود داشته است، و در هر مقطع تاریخی با استفاده از ابزارها، و متناسب با زمان و مکان، مورد توجه و استفاده بوده است.

امروز و دوران معاصر باشد؛ بلکه موضوعی است که سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. به عنوان مثال، می‌توان نمونه‌هایی از صدر اسلام و درون یک اجتماع با هویت مشترک دینی ارائه کرد که در آن، تهاجم از یک بخش برای تسلط بر بخش دیگر صورت گرفته است. مثلاً در دوران خلافت حضرت علی (علیه السلام) معاویه در اقدامی نظامی و متکی بر قوهٔ قهریه تلاش کرد با استفاده از امکانات مالی و اقتصادی‌ای که در اختیار داشت، و صرف هزینه و پرداخت پول، در فکر و اندیشه مردم جامعه، نفوذ کند، و در این جهت، ابزارهای مختلفی نظیر تفسیر و تأویل آیات قرآن

توسط افراد سرشناس، و یا جعل روایت، و یا حدیث، و نیز برگزاری مجالس موعظه و ابزارهای دینی مختلف، نظیر خطابه در مساجد نیز به کار گرفته شد تا فرهنگی در مجموعه اجتماع، ایجاد شود، و غلبه پیدا کند که آن فرهنگ، شخصیت حضرت علی (علیه السلام) و اصول و ارزش‌های معنوی مورد توجه و تأکید وی را واژگونه و نادرست جلوه دهد. به عبارت دیگر در این هجوم فرهنگی، تلاش بر آن بوده است تا پیش از آن‌که تفوق و پیروزی سیاسی، نظامی و نیز اقتصادی حاصل شود، پیروزی در عرصهٔ فرهنگی پدید آید، و درست در هنگام تفوق فرهنگی می‌توانستند غلبه و سیطرهٔ سیاسی، نظامی و اقتصادی نیز به دست آورند.

این همان موضوعی است که در دوران معاصر و در کشاکش جنگ سرد نیز توسط بلوک غرب بر ضد اتحاد جماهیر شوروی به کار گرفته شد، و به عنوان مثال، در دوران معاصر، هنگامی که

این همان موضوعی است که در دوران معاصر و در کشاکش جنگ سرد نیز توسط بلوک غرب بر ضد اتحاد جماهیر شوروی به کار گرفته شد، و به عنوان مثال، در دوران معاصر، هنگامی که



در این نوشتار اشاره شده است که برای دستیابی به هدف نهایی تهاجم فرهنگی که همان غلبه در همه ابعاد و به ویژه در مقوله فرهنگ است، قوم غالب تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از همه ابزارهایی که در اختیار دارد، به هدف غایی خود برسد. در دنیای امروز، به ویژه آن بخش از دنیای غرب که پیش‌تر در زیر چتر ایالات متحده آمریکا فعالیت می‌کرد، تلاش می‌شود تا با رسوخ فرهنگی در همه بخش‌ها و نظامات و فرهنگ‌های رقیب، این تفوق و سیطره را حاصل کنند. به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این بحث از سوی این اردوگاه مطرح شد که تفوق و برتری، در قالب نظم نوین جهانی صورت می‌گیرد، و حتی برخی از صاحب‌نظران غربی نظیر «فرانسیس فوکویاما» این گونه مطرح کردند که بشریت به پایان تاریخ رسیده است، و منظور این بود که دیگر شکل و نوع حکومت برای همیشه مشخص شده است، و تا پایان تاریخ، یک شیوه و روش جدید از حکومت وجود دارد که همواره می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، و آن شیوه و روش، همان «لیبرال دموکراسی» غربی است، و به همین دلیل، این موضوع را مطرح می‌کردند که اکنون که نظام لیبرال دموکراسی موفق شده است در پایان جنگ سرد، رقیب خود، یعنی مدعی اندیشه‌های سوسیالیستی و کمونیستی را از صحنه خارج کند، پس شکل مستمر و مداوم و باقی ماندنی حکومت، همان روش و ایده لیبرال دموکراسی است.

به همین دلیل «فوکویاما» دنیای معاصر را آغازی برای پایان تاریخ تلقی کرد. البته وی بعداً مدعی شد که این اندیشه را از نظریه پردازان و صاحبان اندیشه در دوران‌های پیشین اتخاذ کرده، و مطالبی را به مفاد آن افزوده است. اما در هر صورت، این موضوع روشن است که دنیای غرب، اگرچه توانست اتحاد جماهیر شوروی را از صحنه خارج کند؛ اما به سرعت، رقبای جدیدی پیدا کرد که این رقیبان از نظر فرهنگی و معیارهای ارزشی، از استحکام و توانمندی‌های بیشتری برخوردارند، و به همین دلیل دنیای غرب در دوران معاصر نمی‌تواند به سادگی در مقوله تهاجم فرهنگی خود، وضعیت مطلوبش را ایجاد کند. به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دیدگاه و نظریه حکومت اسلامی، بار دیگر با ابعادی واقعی، عملیاتی دست‌یافتنی مطرح شد، و جهان اسلام با تعداد زیادی از دولت‌ملت‌ها و بخش قابل توجهی از جمعیت جهان به سرعت با این دیدگاه مانوس و همراه شد، و به نظر می‌رسد دهه‌های آینده، روند خیزش اسلامی افزایش یابد، و تلاش‌های فراوانی برای استقرار حکومت بر مبنای اسلام در بلاد اسلامی صورت پذیرد.

## نتیجه

نکته اساسی و مهم این است که اگر دنیای اسلام، هویت از دست‌رفته خویش را باز یابد، و در برابر تهاجم فرهنگی غرب که در طی سالیان گذشته انجام شده است، جبهه‌گیری لازم را پدید آورد، با عنایت به این که از توانمندی‌های نظری و عملی و نیز بالقوه و بالفعل زیادی برخوردار است می‌تواند جدال فرهنگی غرب را پاسخ دهد، و از سوی دیگر، فرهنگ مهاجم را به فرهنگ هجوم‌پذیر تبدیل کند. این همان موضوعی است که امروز نظریه‌پردازان فرهنگی

می‌کوشند تا نهایت ممکن، اوضاع را به نفع خویش تغییر دهند. به عبارت دیگر، در این سوی جبهه، نظریه‌پردازان مبتنی بر مبانی شرقی و مبانی اسلام و به طور کلی مبانی غیر غربی در تلاش‌اند، و به دنبال این مطلب هستند که صحنه جبهه تهاجم فرهنگی را به نفع خویش متحول سازند. اگرچه باید اذعان کرد که حجم فعالیت‌های این دو گروه رقیب و بهره‌مندی و برخوردارگی آن‌ها از امکانات و توانمندی‌ها و ابزارها، لزوماً مساوی و هم‌سطح نیست.

در پایان این مبحث، می‌توان به طرح این نکته نیز پرداخت که روند تحولات بین‌المللی و نیز تحولات داخلی در کشورهای غربی، بیانگر نوعی تحول رفتاری و نظری در عرصه روابط بین‌الملل و همکاری‌های بین‌الدولی است، و با عنایت به بیداری اسلامی که بخش قابل توجهی از آن، در نتیجه تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام و شرق است، به نظر می‌رسد جهان اسلام در مرحله خیز و شتاب فزاینده‌ای در جهت بازتعریف هویتی خویش است، و اگر این مرحله با سرعت و قوت و گستردگی لازم انجام شود، صحنه امروزین جهان که دنیای اسلام در موضع فرهنگ تهاجم‌پذیر قرار گرفته است تغییر خواهد کرد، و تفکرات و اندیشه‌های قدرتمند اسلام که مبتنی بر مبانی اخلاقی است، به سرعت دنیای غرب را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و زمینه معکوس شدن هجوم فرهنگی، و این بار از جهان اسلام به غرب فراهم می‌شود.

## فهرست منابع و مآخذ

۱. اشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷ش.
۲. آقایف سیدداوود، سازمان‌های بین‌المللی، تهران: نسل نیکان، ۱۳۸۲ش.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمان، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵ش، ج ۱.
۴. اسلامی ندوشن، محمدعلی، فرهنگ و شبه فرهنگ، تهران: یزدان، ۱۳۷۱ش.
۵. سلیمی، حسین، فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵ش.
۶. متن بیانات رهبری جمهوری اسلامی ایران در دیدار فرماندهان و دسته‌های عاشورای نیروی مقاومت بسیج، سالروز شهادت امام سجاد (ع)، ۱۳۷۱/۴/۲۲، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری جمهوری اسلامی ایران، آرشیو تاریخی متن بیانات [www.Khameneei.ir/fa/views/ashora/ashorar.jsp](http://www.Khameneei.ir/fa/views/ashora/ashorar.jsp)
۷. مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی ۱۳۷۲/۵/۱۲، به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری جمهوری اسلامی ایران، آرشیو تاریخی متن بیانات [www.Khameneei.ir/fa/views/ashora/ashorar.jsp](http://www.Khameneei.ir/fa/views/ashora/ashorar.jsp)
۸. هانتینگتن، ساموئل، برخورد تمدن‌ها و نظم نوین جهانی.